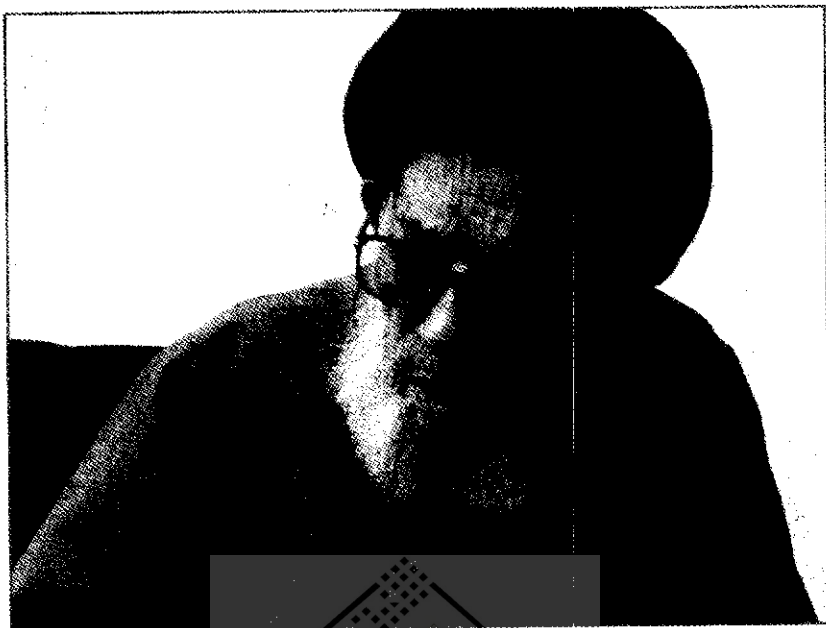




پژوهشهای قرآنی

بر کرانه غدیر
نورالاتوار (برداشت هایی از سوره نور)
حج، جوانان، جلوه ها و جاذبه ها



بر کرانه غدیر

□ علامه سید مرتضی عسگری

○ علامه سید مرتضی عسگری متولد سامرا به سال ۱۳۲۲ ه.ق. از دانش‌آموختگان حوزه علمیه نجف و حوزه علمیه قم و از محققین توانمند در عرصه اسلام‌شناسی، حدیث‌شناسی، سیره‌شناسی، رجال و تاریخ اسلام می‌باشد که کتب متعددی را تا به حال به رشته تحریر درآورده که اکثر آنها به زبانهای عربی، انگلیسی، اردو و ترکی ترجمه و به چاپ رسیده است. ایشان مؤسس دانشگاه اصول دین در شهر مقدسه قم می‌باشند.

مقاله ایشان تحت عنوان بر کرانه غدیر، برای اولین بار در فصلنامه قرآنی

کوثر به محضر خوانندگان عزیز تقدیم می‌شود.

- با سلام بسه محضر رسول گرامی اسلام و علی مرتضی (علیهما السلام) به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانم که بر آن شدم تا عظمت غدیر را بر حسب قرآن و فطرت انسانی و قوانین علمیه قرآن و نظام خلقت و قانون‌گذاری بعثت و نزول وحی به رشته تحریر درآورم.

اهم موضوعاتی که در این مقاله به آنها پرداخته‌ام و شما با آن روبرو می‌شوید به ترتیب ذیل است:

- غیر قابل تغییر بودن قوانین علمیه قرآن کریم.
 - تناسب قوانین علمیه قرآن با نیازهای انسان.
 - ابعاد وجودی انسان و نیازهای پیرامونی آن.
 - تفاوت قانون‌گذاری الهی و بشری.
 - تعیین وصی از آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) تا خاتم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ).
 - وحی قرآنی و وحی غیر قرآنی.
 - تفسیر کارشناسی غدیر.
 - ولایت فقیه شمره‌ای از ثمرات غدیر خم.
- آنچه در صدر تفسیر کارشناسی غدیر بدان پرداخته‌ام می‌تواند به عنوان مبادی غدیرشناسی مطرح باشد.

○ غیر قابل تغییر بودن قوانین علمیه قرآن کریم:

در قرآن کریم آمده است (فاقم وجهک للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اکثر الناس لا يعلمون).^۱

این آیه از جمله آیات علمی قرآن است که مهندسی خلقت انسان را بر حسب فطرت الهی بیان می‌کند و بر غیر قابل تغییر بودن آن تاکید می‌کند. از این نمونه قوانین در قرآن کریم در ابعاد و موضوعات مختلف موجود است. احکام علمیه قرآن قابل تغییر نیست.

من هر چه از محسنات شرع بگویم و ماهها در این خصوص بنویسم باز هم کم است.

شاید یک اشکال به ذهن بعضی از خوانندگان بیاید که چرا خداوند یکباره قوانین خود را به بشر ابلاغ نکرده و چرا هر کدامیک از انبیاء بخشی از این قوانین را به بشر یاد داده‌اند؟

در پاسخ باید بگویم. در زمان حضرت آدم (علیه السلام) قوانین بر حسب فهم و درک و حاجت و جمعیت اعلام شد. آن زمان، چند خانواده بودند و احکام نماز، روزه و زکات و ... اعلام شد. در زمان حضرت ادریس (علیه السلام) جمعیت مردم و نیازهای آنها بیشتر شده بود، احکام بیشتری به آنها اعلام شد. در زمان حضرت نوح (علیه السلام) مردم شهرنشین شده بودند احکام زیادتری به آنها ابلاغ شد و همین‌طور تبیین احکام الهی توسط انبیاء ادامه یافت تا به حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) رسید که احکام ابلاغی ایشان به امر الهی به مردم تا یوم‌القیامه استمرار دارد و هر چه عقل و علم مردم بیشتر می‌شود پرده‌ها و صحنه‌های جدیدتری از علل وضع احکام اسلامی مشخص می‌گردد و محسنات قوانین قرآن معلوم می‌شود.

اما احکام صادره از ناحیه انبیاء هیچ تناقضی با هم ندارد بلکه در یک راستا می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «**شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا**»^۶ برای شما از احکام آن تشریح کرده که به حضرت نوح وصیت کرده و در چند آیه بعد همین سوره می‌فرماید: **وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ** ابراهیم^۸، **بِهِ مَا فَرَمُوهُ: وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا**^۹ و به پیامبر فرموده: **وَاتَّبَعَ مِلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ**^{۱۰}، این آیات پیوستگی و یگانگی رسالت انبیاء و احکام ابلاغی الهی به سوی مردم را مشخص می‌سازد.

در خصوص همین بحث قانونگذاری اشکال دومی از طرف بعضی مطرح می‌گردد. که اگر قانون‌گذاری الهی بلااشکال است پس چرا بعضی از قوانین جدید قوانین قبلی را نسخ می‌کند؟

وقتی که ما دانستیم که در (حرارت) فلزات منبسط می شوند و در (برودت) جمع می شوند این یک قانون غیر قابل تغییر علمی است که گذشته و حال و آینده تأثیری بر آن ندارد و آن را تغییر نمی دهد. یا در علم نحو می گوئیم: کل فاعل مرفوع، زمان و مکان نمی تواند این قانون را تغییر دهد. قرآن می گوید: روی به سوی این دین استوار کن، حنیفاً (حنف در مقابل جنف) جنف به معنی (از حق به سوی باطل رفتن). حنف به معنی (از باطل به سوی حق آمدن) است، این کار که به سوی دین به صورت استوار حرکت کن، تناسب با فطرت انسان دارد. این یک قانون است. این فطرت است، فطرت الله التي فطر الناس عليها^۲، این فطرتی که خدا آفریده و آن را مهندسی نموده است می فرماید: لا تبدیل لخلق الله^۳، انسان عنصر غارنشینی با اتسان متمدن امروزی فرقی پیدا نکرده است. خداوند چه زیبا فرموده: ذلک الدین القیم ولكن اکثر الناس لا یعلمون^۴، دین قیم، این است ولیکن بسیاری از مردم نمی دانند. اسم این دینی که خدا گفته است، در قرآن آمده: ان الدین عند الله الاسلام^۵، دین مخصوص، «اسلام» است و این یک امر غیر قابل تغییر است.

تأسیب قوانین علمیه قرآن با نیازهای انسان:

خداوند در قرآن کریم می فرماید: والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن آزاد أن یم الرضاعة^۶، مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر بدهند. البته هر روزی که بخواهند شیر دادن را تمام کنند، می شود تمام کرد ولی تمام نیست و به فرزندان خود ضرر زده اند و این یک قانون علمی است و نیاز انسانی است که منطبق با این قانون علمی عمل نماید. و این نیاز از زمان انسان غارنشین تا زمانی که انسان از نیروی برق و اتم بهره می برد یکسان است و قانون «حولین کاملین» تغییر نکرده چرا که: لا تبدیل لخلق الله.

فصلنامه قرآنی کرم - شماره پنجم
||

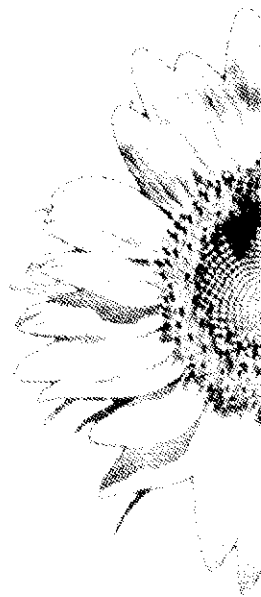
نسخ: یک حکم استثنائی است که حکم ابلاغی قلبی که بنا بر مصالح و ضرورت‌های یک دوره بشر بوده و فعلاً ضرورت و نیازی به آن نیست را کنار می‌زند. بطور مثال: پیامبر اکرم (ﷺ) با گروهی از قریشیان مسلمان از مکه به مدینه آمدند. مسلمانان قریشی هیچ امکانات زندگی نداشتند برای اینکه انصار به اینها کمک کنند. پیامبر (ﷺ) به امر الهی بین آنها عقد اُخوت بست که اگر آن مرد مهاجر وفات می‌کرد آن مرد انصاری از او ارث می‌برد و بالعکس و این حکم یک حکم استثنائی بود، بعد از فتح مکه آیه نازل شد: **و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب اللّٰه**، یعنی حکم قلبی نسخ شد.

خداوند در قرآن فرموده: **کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ**، این کتب اشاره به ابدی بودن حکم روزه است. خداوند روزه را بر امت‌های پیشین واجب کرده و امروز مثل زمان پیامبر (ﷺ) واجب است و این وجوب تا یوم‌القیامه استمرار دارد.

چرا خداوند روزه را واجب کرده؟ یکی از علل آن این است که انسان دارای معده است، دارای نفس است و این نفس از قوای شهوانی برخوردار است. وقتی انسان به امر الهی روزه می‌گیرد در سال یک ماه به این معده آرامش و استراحت می‌دهد و به وسیله روزه، شهوت خوراک و دیگر شهوات در مدت یک ماه کنترل می‌گردد، مثل ماشینی که نیروی متحرکه‌اش را، ترمز کنترل می‌کند. هر چه ترمز ماشین کاری‌تر و قوی‌تر باشد، سلامتی راننده بیشتر است. «روزه» حکم یک ترمز قوی را دارد که انسان را کنترل می‌کند و جلوی انحراف انسان را می‌گیرد. با توجه به این قانون، تناسب آنها را با نیازهای انسانی بخوبی درخواهید یافت.

○ ابعاد وجودی انسان و نیازهای پیرامونی آن :

انسان موجودی چندبعدی و چندوجهی است و احکام اسلام تناسب با وجوه انسانی دارد انسان بُعد وجودی جسمی دارد، بعد نامی دارد، بعد نفسی دارد. در بعد نفسی عقل دارد. شهوت دارد، هوای نفس دارد. احکام اسلام با تمام ابعاد وجودی انسان تناسب دارد و نیازمندی‌های انسان را در تمام ابعاد وجودش برآورده می‌کند و آنهم با قوانین علمی مسلم!؛ بطور مثال می‌گوید: می‌خواهی آب بخوری. آن را مَکْ بزن! تا لذت و گوارا بودن آب را احساس کنی، خوراک را خوب بجو! تا مرحله اول هضم غذا در دهان صورت پذیرد و دچار سوءهاضمه و بیماری نشوی، اسلام می‌گوید: تا گرسنه نشوی غذا نخور! قبل از اینکه سیر بشوی از سر سفره برخیز! اسلام آنچه از احکام برای انسان ضرورت حیاتی داشته را واجب کرده، آنچه ضرر مرگ دارد حرام کرده، آنچه خوب است برای انسان مستحب و آنچه بد بوده برای او مکروه و آنچه بدی و خوبی آن تفاوت ندارد مباح کرده است و همه اینها روی قانون و حساب مشخص است.^{۱۳} و این مطلب حکایت از کمال و همه جانبه بودن قوانین قرآن و اسلام و پاسخگوئی به تمامی نیازهای بشری است.



تفاوت قانون‌گذاری الهی و بشری

احکام وضعی، که بشر آنها را قانون‌گذاری کرده تمام ابعاد وجودی انسان را در بر نگرفته و بعضاً در تناقض با هم می‌باشند. اما خالق هستی که مهندسی انسان را به احسن وجه انجام داده از انعقاد نطفه تا درون قبر برایش قانون دارد بطور مثال: بعضی مرده را می‌سوزانند، بعضی آنها را به دریا می‌اندازند. بعضی با مواد اسیدی آنها را پودر می‌کنند. اسلام عزیز گفته: مرده را غسل داده با احترام طبق برنامه خاصی به خاک طیب و ظاهر بسپارید و این قانون ضرورت حیاتی برای انسان دارد.

تلفیق قرآن و کتب شریعتی
۱۳۸۳

مثال دیگر در مورد آیه نجوا: ۱۴ عمر و ابوبکر جلوی مردم می آمدند با پیامبر (ﷺ) درگوشی صحبت می کردند تا به مردم نشان دهند که ما اختصاص به پیامبر داریم، آیه نازل شد که هر کس می خواهد با پیامبر (ﷺ) نجوا کند باید صدقه بدهد. اینها دیگر نیامدند نجوا کنند، زمانی حضرت امیر کار داشت، و یک دینار هم داشت، می آمد یک درهم را صدقه می داد با پیامبر (ﷺ) پیرامون مسائل مهم درگوشی حرف می زد، آیه نازل شد. این حکم صدقه دادن نسخ شد پس احکام استثنائی که بر حسب مصالح و ضرورت هائی وضع شده بود در موقعیت لازم نسخ می شد و این نسخ دلیل بر ضعف و نقص احکام و قوانین قرآن نبود بلکه کمال قوانین قرآن بود.

تعیین وصی از آدم (ع) تا خاتم (ﷺ)

در کتب آسمانی، از صحف حضرت آدم (ع) گرفته تا صحف ادریس و از صحف و زبور گرفته تا تورات و انجیل، تمام پیامبران، از حضرت آدم (ع) تا حضرت خاتم (ﷺ) وصی تعیین کردند. حضرت آدم (ع) به امر خدا شیث را تعیین می کند و حضرت نوح (ع) سام را تعیین می کند. حضرت موسی (ع) یوشع را تعیین می کند و حضرت عیسی (ع) شمعون را تعیین می کند تا برسد به پیامبر اسلام (ﷺ) ایشان به امر خدا دوازده نفر را تعیین می کنند و در غدیر خم به امر الهی اولین خلیفه و وصی خود را حضرت علی (ع) را تعیین می کند.

کل هم و عم پیغمبر
 بولایتی ایستد یاسلی باشد
 نادعیان مطرف العجایب
 تجده عوناناک فی النوائب

○ وحی قرآنی و وحی غیرقرآنی:

بر وجود نازنین پیامبر اکرم (ﷺ) دو گونه وحی نازل می‌شد. یک وحی قرآنی بود که هم لفظ و هم معنا از خداوند تبارک و تعالی بود. یک وحی غیرقرآنی بود که پیامبر با لحن خودش بیان می‌کرد اما معنا از خدا بود / وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِ /^{۱۵} بطور مثال: وقتی آیات وضو و غسل نازل می‌شد این وحی قرآنی بود. اما اینکه با چه آبی و به چه شکلی و چگونه انجام گیرد؟ جبرائیل از جانب خدا می‌آمد و به پیامبر (ﷺ) تعلیم می‌داد و پیامبر آنها را با لحن خودش بیان می‌کرد و این وحی غیرقرآنی بود و بعضاً اقوال و کلمات الهی رسیده به پیامبر تحت عنوان «حدیث قدسی» مشخص می‌گردد. در قرآن کلیات مسائل آمده و تشریح و تفسیر یک‌یک مسائل به عهده پیامبر و وصی او بوده و می‌باشد.

○ تفسیر کارشناسی غدیر:

آنچه تا کنون گذشت مبادی تفسیر غدیر بود و بر حسب مبادی مذکور به تفسیر غدیر و ابلاغ ولایت و وصایت حضرت علی (علیه السلام) در خم غدیر می‌پردازم.

قانون الهی مذکور در قرآن کریم، که چهارچوبه دین اسلام را مشخص می‌سازد و تمامی انبیاء برای تبلیغ و برپا داشتن آن مبعوث به رسالت شده‌اند و کتب آسمانی برای راهنمایی مردم به سمت اسلام نازل گردیده، بیان می‌دارد که هر پیامبری برای حفظ شریعت و ترویج آن و صیبری را به امر الهی انتخاب می‌نمود تا مانع بدعت‌ها، کتمان‌ها و تحریف‌ها در شریعت الهی شوند. اما زورمندان و مستکبران هر دوره که وجود شریعت را مخالف با حضور و افعال خود می‌دانستند به تحریف و کتمان حقایق دینی می‌پرداختند، لذا خداوند تبارک و تعالی شریعت را با فرستادن پیامبری دیگر تجدید می‌کرد تا حکمت الهی مقتضی شد که



پیامبر اکرم (ص) هر چه وحی می‌آمد برای علی (ع) تعریف و تفسیر می‌کرد علی (ع) می‌نوشت و می‌فرمود: کتب و فرمود: یا علی شرکاء من تو و روز ندانت حسن و حسین (علیهم السلام) و ائی آخر تا امام دوازدهم (ع) و تمام آنچه بر پیامبر (ص) نازل شد پیامبر تسلیم علی (ع) نمود و ایشان هم تسلیم امام حسن (ع) و ایشان هم تسلیم امام حسین (ع) تا امام عصر (ع).

شریعت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ﷺ) تا ابد بماند و لذا قوانین علمیه قرآن مناسب با نیازهای فطری انسان تا یوم القیامه نازل گشت، قوانینی که تمامی ابعاد وجودی انسان و نیازهای پیرامونی آن را تا آن زمان در بر می گیرد، منتها همه احکام و توضیحات آن در قرآن نیامده و پیامبر اکرم (ﷺ) به امر خدا دوازده نفر را تعیین می کند تا وصی بوده و کتاب خدا را حفظ نموده و به بیان احکام دین و تفسیر قوانین قرآن برای هدایت و رشد و کمال بشر در تمامی ابعاد بپردازند، خداوند، توضیح و تفسیر و شرح کلیات و اصول قرآنی را بر عهده رسول اکرم (ﷺ) می گذارد تا مصادیق واقعی (أَمَا یَرِیدُ اللّٰهُ لَیْذَہِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَہْلِ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمُ التَّطٰہِرًا) ۱۶ یا (قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُوا اٰبَانَا وَاَبَائِکُمْ) ۱۷ یا (اَنَا اَعْطٰنَاکَ الْکُوثرَ، فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَاخْرُجْ) ۱۸ را مشخص سازد. برای اینکه فضائل علی (علیه السلام) و وصایت او بعد از رسول الله (ﷺ) در شهر مدینه محدود نشود و کتمان نگردد. پیامبر اکرم (ﷺ) تمام مسلمانان را برای حجة الوداع فراخواند و مسلمانان از ۷۰ هزار نفر تا ۱۴۰ هزار نفر یا بالاتر بیایند و در برنامه حج شرکت کنند و معرفی علی (علیه السلام) را به عنوان وصایت و امامت بشنوند تا زورمندان نتوانند آن را حذف کنند و این زمینه سازی در قالب وحی غیرقرآنی بود چرا که اگر به صراحت نام علی (علیه السلام) در قرآن می آمد عده ای تحمل نمی کردند و کمر به حذف و نابودی این بخش از قرآن می بستند.

اگر چه پیامبر اکرم (ﷺ) هر چه وحی می آمد برای علی (علیه السلام) تعریف و تفسیر می کرد و علی (علیه السلام) می نوشت و می فرمود: اکتب، و فرمود: یا علی شرکاء من، تو و فرزندان حسن و حسین (علیهم السلام) و الی آخر تا امام دوازدهم (علیه السلام) و تمام آنچه بر پیامبر (ﷺ) نازل شد، پیامبر تسلیم علی (علیه السلام) نمود و ایشان هم تسلیم امام حسن و ایشان هم تسلیم امام حسین (علیه السلام) تا امام عصر (علیه السلام).

اما ابلاغ وصایت و امامت مهم‌تر از اینها است. آیه (یا ایها الرسول بلِّغ ما انزل الیک من ربک فإن لم تفعل فما بلِّغ رسالتک) ۱۹ نازل گردید. ای پیامبر (ﷺ) ۲۳ سال تبلیغ اسلام را کردی. پیشانی‌ات را شکستند، به پاهایت سنگ زدند و آن را مجروح کردند، تو را مورد توهین، تحقیر و محاصره قرار دادند و تو از تبلیغ اسلام دست نکشیدی ولی اگر الان علی را به عنوان وصی و خلیفه بعد از خود معرفی نمائی، هیچ چیز را تبلیغ نکرده‌ای. پیامبر دستور داد همانجا، در گرمای ظهر حجاز، همه جمعیت، آنهایی که جلو رفته بودند بازگردند و آنهایی که عقب بودند بیایند. جماعت شکل گرفت و نماز جماعت خواندند، از پالان شتر منبر درست کردند و پیامبر رفت بالای آن و خطبه‌ای جذاب و غرّا خواند و ذهن‌ها و فکرها را آماده ساخت و دست در دست علی (علیه السلام) انداخت و دست علی (علیه السلام) را بلند کرد، به گونه‌ای که آستین‌های بلند عربی هر دو افتاد و سبیدی زیر بغل ظاهر گشت و فرمود: (مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ) ۲۰ هر که من مولای اویم علی مولای اوست. بعد از این که به این وحی قرآنی و غیر قرآنی عمل نمود این آیات نازل شد.

(الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً) ۲۱ اما عده‌ای خلاف قرآن عمل کرده و بجای /فاقم وجهک للذین حنیفا/ ۲۲ به جنف یعنی از حق به سوی باطل روی آوردند تا منافع مادی خود را تامین کنند و جمع کثیری را هم با فتنه خود از حقیقت دور ساختند و نگذاشتند تابع قرآن و قوانین لایتغیر قرآنی باشند که سعادت بشریت را تامین می‌نماید.



ولایت فقیه ثمرهای از ثمرات غدیر خم:

ولایت فقیه از ثمرات غدیر خم است و بایستی این ثمره مهم برای همگان مشخص گردد. شریعت اسلام نیازمندی‌های انسان را به نحو مطلوب معین و تامین نموده است. انسان جمعی زندگی می‌کند، باید در جامعه زندگی کند، در جامعه که زندگی کند نیاز به حکومت دارد، در زمان معصوم (علیه السلام) که حکومت با اوست مسأله روشن است. در زمان غیبت باید معصوم (علیه السلام) باشد. ما در روایات داریم که در وقتی که امام غائب باشد فقیه باید باشد. آنهم فقیه اسلام‌شناس (من کان من الفقهاء صائناً لنفسه) کسی می‌تواند وزیر بهداشتی بشود در حالی که طبیب نباشد (اگر چه بهتر است باشد) اما حکومت‌داری و اداره کشور اسلامی بایستی به دست فقیه اسلام‌شناس باشد.

هر گاه فقاہت و عدالت یعنی همراهی تخصص و تعهد در مقیاس گسترده و چشمگیر در وجود شخصی پدید آمد و مدیریت به عنوان توانمندی کافی در اداره جامعه ایجاد شد، ولایت حاصل می‌شود. امام خمینی (ره) یک اسلام‌شناس جامع‌الشرایط به معنای واقعی کلمه بود.^{۲۳} او نزد فقهای بنام و مطرح حوزه علمیه قم درس خوانده و اجازه اجتهاد گرفته بود. همین رهبر فعلی (آیه‌الله خامنه‌ای ادام‌الله‌ظله الشریف) یک دوره کامل فقه و اصول نزد آیه‌الله میلانی و آیه‌الله امام خمینی و آیه‌الله مرتضی حائری خوانده و متخصص در دین است. متخصص در قرآن و حدیث است. اوست که می‌تواند رهبری حکومت دینی را به عنوان ولی فقیه داشته باشد و تبعیت از او بر همگان واجب و لازم است.

آنسهایی که امروزه نظریات غیرتخصصی خود را به عنوان اسلام‌شناس می‌دهند و دم از قرائت‌های چندگانه می‌زنند اصلاً اسلام را نشناخته‌اند و امریکا و انگلیس و ایادی آنها در داخل و خارج برای جدا کردن اسلام از متخصص واقعی که روحانیت و علمای حوزه‌های



آیت الله خامنه ای (ادم الله ظله الشریف)
یک دوره کامل فقه و اصول نزد آیت الله
میلانی و آیت الله امام خمینی و آیت الله
مرتضی حائری خوانده و متخصص در
دین است. متخصص در قرآن و حدیث
است. اوست که می‌تواند رهبری حکومت
دینی را به عنوان ولی فقیه داشته باشد
و تبعیت از او بر همگان واجب و لازم
است.

علمیه هستند، تَز اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست را سر داده‌اند. ما باید دستمان را از دست اسلام‌شناس واقعی که ولی فقیه است، برنداریم که به بیراهه رفته‌ایم! در اینجا از خوانندگان عزیز می‌خواهم که برای کسب آگاهی بیشتر از موضوع کارشناسی غدیر به منابعی که اعلام می‌کنم رجوع نمایند.

منابع اطلاعاتی

- ۱ - کتاب عقایدالاسلام من القرآن الکریم اثر سید مرتضی عسگری به زبان فارسی (تفسیر آیات جزء اول).
- ۲ - کتاب اخبارالاسلام اثر سید مرتضی عسگری به زبان فارسی.
- ۳ - یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ۲ جلد، سید مرتضی عسگری.
- ۴ - نقش ائمه در احیای دین، ۷ جلد، اثر سید مرتضی عسگری.
- ۵ - ادیان آسمانی و مسأله تحریف، اثر سید مرتضی عسگری.

مصادر مقاله

- ۱۷۱) سوره آل عمران آیه ۶۱
 ۱۸۸) سوره کوثر آیات ۱ تا ۳
 ۱۹) سوره مائده آیه ۶۷
 ۲۰) شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۰۱، و الدرر النشور ج ۳ ص ۱۹
 ۲۱) سوره مائده آیه ۳
 ۲۲) سوره روم آیه ۳۰
 ۲۳) امام خمینی رحمه‌الله علیه فرمودند:
 اولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده است (ولی امر) حجت خداست. پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد. ولایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری می‌شود. وقتی می‌گوئیم ولایتی را که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه (ع) داشتند، بعد از غیبت فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه و رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است زیرا اینجا صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از وظیفه است.
- (۱) سوره روم آیه ۳۰
 (۲) سوره روم آیه ۳۰
 (۳) سوره روم آیه ۳۰
 (۴) سوره روم آیه ۳۰
 (۵) سوره آل عمران آیه ۱۹
 (۶) سوره بقره آیه ۲۳۳
 (۷) سوره شوری آیه ۱۳
 (۸) سوره صافات آیه ۸۳
 (۹) سوره نساء آیه ۱۲۵
 (۱۰) حدیث نبوی
 (۱۱) سوره احزاب آیه ۶
 (۱۲) سوره بقره آیه ۱۸۳
 (۱۳) کتاب احکام الاسلام و تغذیه در اسلام
 (۱۴) سوره مجادله آیه ۱۲
 (۱۵) سوره نحل آیه ۴۴
 (۱۶) سوره احزاب آیه ۲۳